فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۹، شماره ۱، پاییز ۱۴۰۳، صفحات ۳۱۲-۲۹۳

توازن حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در نظام حقوق بشر اسلامی با تأکید بر حقوق اساسی ایران

دکتر داود محبی[۱]، علی امیری[۲]

تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۸/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲۱

چکیده:

حقوق اجتماعی به حقوقی اطلاق می‌شود که تضمین‌کننده امنیت، فرصت‌های برابر و رفاه اجتماعی برای تمامی افراد یک جامعه است. این حقوق معمولاً شامل حق بر تحصیل، حق بر سلامت، حق بر کار و حق بر زندگی در محیطی سالم می‌شوند. مسئولیت‌های اجتماعی، به تعهدات افراد و نهادها برای حمایت از حقوق همدیگر و ارتقاء وضعیت اجتماعی اشاره دارد. این مسئولیت‌ها می‌توانند به صورت قانونی و غیرقانونی باشند. در نظام جمهوری اسلامی ایران، حقوق شهروندان در اصول مختلف قانون اساسی به وضوح تعریف شده است، اما چالش‌های متعددی در زمینه تحقق این حقوق به چشم می‌خورد. مسئولیت‌های مدنی و اخلاقی شهروندان، علاوه بر آزادی‌ها و حقوق قانونی آن‌ها، به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از این نظام مطرح می‌شود و نادیده گرفتن هر یک می‌تواند به اختلال در توازن عمومی منجر شود. تحقیق حاضر تحت عنوان «توازن حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در نظام حقوق بشر اسلامی با تأکید بر حقوق اساسی ایران» که با روش توصیفی ـ تحلیلی صورت پذیرفته است نیاز به تدابیر قانونی و فرهنگی مؤثر برای ارتقاء آگاهی‌های جمعی و مسئولیت‌پذیری شهروندان را به وضوح نشان می‌دهد. بنابراین، به چالش کشیدن تعامل میان حقوق و مسئولیت‌ها در نظام اسلامی، نه تنها ضروری است، بلکه باید در بسترهای قانونی و اجتماعی به‌طور مداوم مورد بازنگری و تقویت قرار گیرد تا همبستگی و انسجام در جامعه حفظ شود.

مفاهیم کلیدی: *توازن حقوق، مسئولیت‌های شهروندی، نظام حقوق بشر اسلامی، حقوق اساسی ایران*

---

[۱] استادیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران mohebbi.law82@yahoo.com

[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول) a.amiri@stu.qom.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در نظام حقوق بشر اسلامی به مجموعه‌ای از حقوق و تکالیفی اشاره دارد که بر مبنای ارزش‌ها و احکام اسلامی تنظیم شده و در قوانین مختلف کشورها به‌ویژه در جمهوری اسلامی ایران، به‌طور مشخص ذکر شده است. به‌عنوان مثال، اصل ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تمامی افراد از حق آزادی بیان برخوردارند و می‌توانند نظرات خود را به‌صورت آزادانه ابراز کنند، که این امر از حقوق اساسی شهروندان است. همچنین، در اصل ۲۰ این قانون، به صراحت آمده است که همه افراد از هر قوم و نژاد و با هر زبان و مذهبی، برابر هستند و از حقوق انسانی برخوردارند، که نشان‌دهنده تساوی حقوق شهروندی در نظام اسلامی است. با این حال، این حقوق با مسئولیت‌هایی همراه است. طبق اصل ۲۳ قانون اساسی، هیچ‌کس نمی‌تواند به‌علت عقیده یا بیان آن مورد تعقیب قرار گیرد، اما این آزادی نباید به‌گونه‌ای باشد که باعث تهدید به امنیت عمومی یا ارزش‌های اسلامی شود. این موضوع نشان می‌دهد که مسئولیت‌های شهروندی در حفظ نظم و امنیت اجتماعی و احترام به مقدسات و اصول اسلامی تحت سرفصل حقوق بشر اسلامی قرار دارد. از سوی دیگر، اصل ۳۴ قانون اساسی، حق دادخواهی را برای همگان تضمین کرده و مسئولیت حفظ این حق بر عهده دولت قرار دارد، که بیانگر آن است که حق و مسئولیت در نظام حقوق بشر اسلامی به‌گونه‌ای متعادل و در کنار هم تعریف شده‌اند. علاوه بر این، نهادهای دولتی و مسئولین موظف هستند به حقوق شهروندان احترام بگذارند و آن‌ها را در راستای تحقق مسئولیت‌های اجتماعی ترویج دهند. به‌طور کلی، حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در نظام حقوق بشر اسلامی بر مبنای ارزش‌های معنوی و اخلاقی استوار است که نه تنها تأکید بر حقوق فردی دارد، بلکه مسئولیت‌های اجتماعی را نیز به‌منزله تکالیفی بر عهده شهروندان قرار می‌دهد تا به ایجاد جامعه‌ای عادلانه و متوازن کمک کنند. موضوع توازن بین حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در نظام حقوق بشر اسلامی، به‌ویژه در چارچوب حقوق اساسی ایران، یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث حقوقی و اجتماعی است که نیازمند بررسی عمیق و دقیق می‌باشد. از یک‌سو، حقوق بشر اسلامی بر پایه ارزش‌های معنوی و اخلاقی بنا شده است که تأکید بر کرامت انسانی و حقایق بنیادین آن دارد و از سوی دیگر، مسئولیت‌های شهروندی به‌عنوان الزامات اجتماعی و قانونی در حفظ نظم و امنیت اجتماعی و تحقق حقوق معنوی و مادی افراد باید مدنظر قرار گیرد. در این راستا، تناقض‌های احتمالی میان تعهدات شهروندان و حقوقی که به‌طور قانونی و اسلامی به آن‌ها تعلق دارد، می‌تواند منجر به بحران‌های اجتماعی، فرهنگی و حقوقی شود. برای مثال، چگونه می‌توان حقوق آزادی بیان و آزادی‌های

فردی را با مسئولیت‌های اجتماعی که ممکن است گاهی در تضاد با آن‌ها قرار گیرد، به‌طور مؤثر توازن بخشید؟ به‌علاوه، تأثیر فرهنگی و دینی بر شکل‌گیری این توازن، به‌ویژه در نظام حقوقی ایران، چطور می‌تواند به تقویت یا تضعیف حقوق اساسی شهروندان منجر شود؟ این مسائل به‌صورت مستقیم با چالش‌هایی نظیر محدودیت‌های قانونی، تفسیرهای متفاوت از حقوق بشر اسلامی، و سهولت دسترسی به حقوق و آزادی‌های اساسی در جامعه ایران در ارتباط است و لذا مطالعه آن‌ها می‌تواند به تبیین بهتر رابطه‌ای که بین حقوق و مسئولیت‌ها در نظام حقوق بشر اسلامی وجود دارد، کمک کند. در این راستا، توسعه یک چارچوب منطقی و مؤثر برای توازن بین حقوق و مسئولیت‌های شهروندی، نه‌تنها به بهبود کیفیت نظام حقوقی ایران کمک می‌کند، بلکه می‌تواند الگویی نوین برای کشورهای دیگر در راستای خلق تعادل بین حقوق فردی و اجتماعی در بستر حقوق بشر اسلامی باشد. نظر به مطالب یاد شده، تحقیق حاضر در تلاش است تا موضوع «توازن حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در نظام حقوق بشر اسلامی با تأکید بر حقوق اساسی ایران» را مورد مطالعه قرار دهد.

پیشینه پژوهش

در رابطه با موضوع تحقیق حاضر، آثاری به شرح ذیل به رشته تحریر در آمده است:

آشتیانی (۱۳۹۴)، حقوق بشر اسلامی و حقوق شهروندی؛ کتاب مذکور به بررسی تعامل و روابط متقابل بین حقوق بشر اسلامی و حقوق شهروندی در جامعه ایرانی می‌پردازد. در این اثر، نویسنده با تحلیل مبانی نظری و فلسفی حقوق بشر اسلامی، تأکید می‌کند که اصول و مقولات حقوقی در اسلام چگونه می‌تواند ضامن احترام به کرامت انسانی و حقوق فردی در عین حال تنظیم‌کننده مسئولیت‌های اجتماعی باشد. همچنین، آشتیانی با بهره‌گیری از مواد قانونی و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اساسی‌ترین حقوق شهروندان را در چارچوب نظام اسلامی تبیین کرده و به چالش‌ها و موانع تحقق توازن میان حقوق و مسئولیت‌ها در جامعه می‌پردازد. این کتاب علاوه بر ارائه دیدگاه‌های نقادانه، راهکارهایی برای ارتقاء وضعیت حقوق بشر و مسئولیت‌های شهروندی در جامعه اسلامی ایران پیشنهاد می‌دهد و خواننده را به تفکر عمیق‌تر درباره حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی دعوت می‌کند. به‌طور کلی، این اثر در تلاش است تا جایگاه حقوق بشر اسلامی را به‌عنوان یک چارچوب جامع برای تنظیم روابط فردی و اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی ایران تقویت کند.

رحمانی (۱۳۹۸)، حقوق عمومی و شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران؛ کتاب مورد نظر به تحلیل و بررسی مفاهیم حقوق عمومی و مسئولیت‌های شهروندی در چارچوب

نظام حقوقی ایران می‌پردازد. در این اثر، نویسنده ابتدا به تبیین اصول و مبانی حقوق عمومی در نظام جمهوری اسلامی و چگونگی انطباق آن با ارزش‌های اسلامی می‌پردازد و بر نقش حقوق عمومی در حفاظت از حقوق فردی و اجتماعی تأکید می‌کند. همچنین به بررسی حقوق اساسی شهروندان و الزامات قانونی آن‌ها در دادرسی عادلانه، آزادی‌های فردی، و حق بیان می‌پردازد و چالش‌های پیش‌رو در تحقق این حقوق را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. با توجه به وجود مسئولیت‌های اجتماعی در نظام حقوقی ایران، نویسنده به‌طور عمیق به رابطه این مسئولیت‌ها با حقوق شهروندی پرداخته و تلاش می‌کند نشان دهد که چگونه توازن میان این دو حوزه می‌تواند به تقویت دموکراسی و عدالت اجتماعی در کشور کمک کند. به‌خصوص، کتاب به نقد و بررسی تجربیات موجود در زمینه پیاده‌سازی حقوق عمومی و الزامات شهروندی در واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی ایران می‌پردازد و در نهایت، پیشنهاداتی برای بهبود وضعیت حقوق عمومی و ارتقاء شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ارائه می‌دهد.

حسینی (۱۴۰۰)، بررسی توازن حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در نظام حقوق بشر اسلامی، در این پژوهش به تحلیل عمیق توازن میان حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در چارچوب حقوق بشر اسلامی پرداخته است. به همین منظور، مفاهیم کلیدی حقوق بشر اسلامی را تبیین کرده و با مرور قوانین و مقررات ملی، به شناسایی چالش‌ها و تنش‌های موجود در این زمینه می‌پردازد. او با استفاده از تحلیل‌های توصیفی و تطبیقی، سعی داشته نقاط قوت و ضعف سیستم فعلی را شناسایی کرده و پیشنهاداتی برای بهبود وضعیت حقوق و مسئولیت‌های شهروندان ارائه دهد.

محمدی (۱۳۹۹)، حقوق اساسی و مسئولیت‌های اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، به بررسی ساختار حقوق اساسی در ایران و ارتباط آن با مسئولیت‌های اجتماعی می‌پردازد و با تجزیه و تحلیل قوانین اساسی و تأثیرات اجتماعی آن‌ها، نقاط تلاقی و تعامل بین حقوق فردی و مسئولیت‌های اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد. این تحقیق همچنین به بررسی چالش‌هایی که در مسیر تحقق مسئولیت‌های اجتماعی وجود دارد، پرداخته و به دنبال ارائه راهکارهای عملی جهت تقویت این مسؤولیت‌ها در بستر حقوق اساسی ایران بوده است.

رضایی (۱۳۹۷)، رابطه حقوق بشر اسلامی و حقوق شهروندی، به بررسی ارتباط میان حقوق بشر اسلامی و حقوق شهروندی و تبیین مبانی نظری و عملی این دو مفهوم در نظام حقوقی ایران می‌پردازد. نویسنده با تحلیل مواد قانونی، به تأثیرات متقابل این دو حوزه اشاره داشته و چالش‌های حقوقی و اجتماعی ناشی از تطابق یا تضاد میان این دو مفهوم را مورد بررسی قرار می‌دهد.

قاسمی (۱۴۰۱)، توازن بین حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در حقوق اساسی ایران، بر تعادل میان حقوق شهروندی و مسئولیت‌های اجتماعی در چارچوب حقوق اساسی ایران تأکید می‌کند و به تحلیل ابعاد مختلف این توازن می‌پردازد. نویسنده با بررسی مواد قانونی و نمونه‌های عملی، چالش‌ها و موانع موجود در تحقق این توازن را شناسایی کرده و راهکارهایی برای بهبود وضعیت موجود ارائه داده است.

آذرنوش (۱۴۰۰)، مسئولیت‌های اجتماعی در نظام حقوق بشر اسلامی: چالش‌ها و راهکارها، نویسنده در مقاله مورد نظر با تحلیل مفاهیم و الزامات قانونی، به بررسی چگونگی تحقق این مسئولیت‌ها در جامعه ایران می‌پردازد و راهکارهایی برای حل مشکلات موجود و ارتقای وضعیت مسئولیت‌های اجتماعی در راستای ارزش‌های اسلامی و حقوق بشر پیشنهاد می‌دهد.

با در نظر گرفتن آثار فوق‌الذکر و نظائر آنها، وجه تمایز تحقیق حاضر با عنوان «توازن حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در نظام حقوق بشر اسلامی با تأکید بر حقوق اساسی ایران» روشن می‌شود. از آنجایی که تحقیق حاضر، به مباحثی اعم از موازنه حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در نظام حقوق بشر اسلامی، توازن حقوق و مسئولیت‌ها در قانون اساسی ایران و هم‌سنجی توزان حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در نظام حقوق بشر اسلامی و حقوق اساسی ایران می‌پردازد، لذا به لحاظ رویکردی که دارد از آثار فوق‌الذکر متمایز می‌گردد.

موازنه حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در نظام حقوق بشر اسلامی

در نظام حقوق بشر اسلامی شهروندان صرفاً اشخاص دارای حقوق نیستند، بلکه مسئولیت‌هایی هم در قبال حکومت، شهر و کشور، همنوعان، هم کیشان، همسایگان، محیط زیست و ... دارند و در صورت تحقق این حقوق و مسئولیت‌هاست که یک نظام اجتماعی متوزان شکل می‌گیرد. بطور کلی، مبانی موازنه‌ی حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در نظام حقوق بشر اسلامی را بایستی در موارد زیر جستجو کرد:

۱- حفظ نظام بشری

منظور از حفظ نظام در این تحقیق، حفظ نظام اجتماعی به معنای عام آن است و این حکم کلی یعنی وجوب حفظ نظام، به‌عنوان یک قاعده مسلم فقهی شناخته می‌شود که احکام و آثار جزئی متعددی از آن ناشی می‌گردد. به‌عنوان مثال، می‌توان به لزوم رعایت مصلحت عمومی و محدود شدن حقوق شخصی اشاره کرد (*Gharavi Esfahani, 1987:60*).

در نظام حقوق بشر اسلامی، شهروندان دارای حقوق متعددی از جمله حقوق به زندگی، آزادی و کرامت هستند، اما این حقوق هیچ‌گاه نمی‌تواند به دلایل فردی یا گروهی به ضرر دیگران یا نظام جامعه به اجرا درآید. لذا مسئولیت‌های شهروندی باید در کنار حقوق فردی قرار گیرد تا از اختلال یا تعرض به حقوق دیگران جلوگیری شود. به عبارت دیگر، هر حق فردی به‌نوعی مسئولیت اجتماعی را به دنبال دارد که رعایت آن می‌تواند به حفظ نظام و سلامت اجتماعی کمک کند.

این موازنه باید با در نظر گرفتن نیازها و منافع عمومی جامعه، به‌ویژه در زمان‌های بحرانی و تهدیدات امنیتی لحاظ شود تا هیچ‌یک از حقوق و مسئولیت‌ها به‌طور مطلق و یک‌جانبه مورد توجه قرار نگیرد. به‌عنوان مثال، در مواردی که مصلحت عمومی و حفظ نظام اقتضا می‌کند، ممکن است برخی از حقوق فردی به‌طور موقت محدود شوند؛ اما این محدودیت‌ها باید در چارچوب قانون و با حفظ کرامت انسانی انجام گیرد و نباید به نقض حقوق اساسی افراد منجر شود. بنابراین، به نظر می‌رسد که موازنه حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در نظام حقوق بشر اسلامی بر پایه اصول قاعده حفظ نظام استوار است که این امر نه‌تنها به حفظ حقوق فردی کمک می‌کند بلکه نظام اجتماعی و سیاسی را نیز مستحکم‌تر می‌سازد. در این راستا، یک جامعه پیشرفته و مترقی باید به تأمین حقوق شهروندان و در عین حال توجه به مسئولیت‌های اجتماعی و وظایف فردی در برابر نظام و دیگر افراد جامعه اهتمام ورزد، تا به این ترتیب همگان در کنار یکدیگر در راستای تحقق یک جامعه سالم و امن به پیش روند.

۲- *قاعده لاضرر*

قاعده «لا ضرر» یکی از اصول شناخته‌شده و مسلم در فقه اسلامی است. منبع این قاعده حدیث پیامبر (ص) است که می‌فرماید: «لا ضرر و لا ضرار فی الدّین یا فی الإسلام»؛ همچنین، فخرالدین در «إیضاح الفوائد» مدعی شده است که اخبار مربوط به نفی ضرر و ضرار از تواتر برخوردارند (*Hosseini Rouhani, 1991:370*). بنابراین، می‌توان گفت که معنا و مقصود از حدیث «لا ضرر»، منع از هر نوع آسیب و ضرر قابل تصور است. به همین ترتیب که حکم ضرری به وسیله شارع ممنوع است، هر گونه ضرر موجود در خارج و خسارات وارده نیز باید ممنوع و برطرف شوند (*Marashi, 2006:193*).

در نظام حقوق بشر اسلامی، هر حق فردی نه تنها به‌معنای آزادی کامل از مسئولیت‌ها نیست، بلکه به نوعی مرتبط با توانایی افراد در حفظ حقوق دیگران است. به عبارتی، حق

داشتن آزادی بیان، مثلاً باید با مسئولیت عدم ترویج دروغ و آسیب به اعتبار دیگران همراه باشد. در این زمینه، قاعده لاضرر به‌عنوان یک معیار اساسی در موازنه میان حقوق و مسئولیت‌ها عمل می‌کند و تأکید می‌کند که هر گونه استفاده از حقوق فردی نباید منجر به وارد آمدن زیان به دیگران شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که موازنه بین حقوق و مسئولیت‌ها در نظام حقوق بشری اسلامی باید به شکلی باشد که نه تنها حقوق فردی افراد به خوبی رعایت شود، بلکه در عین حال مسئولیت اجتماعی آنها نیز مدنظر قرار گیرد. این موازنه به خصوص در موقعیت‌هایی که ممکن است تضاد منافع میان افراد یا گروه‌ها ایجاد شود، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. به‌طور مثال، زمانی که حقوق یک فرد به طرز محسوسی دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بر اساس قاعده لاضرر، باید تدابیری اتخاذ شود که از ضرر به دیگران جلوگیری گردد و در عین حال حقوق فردی را نیز محترم شمرد. در نهایت، این قاعده نه تنها در حفظ حقوق افراد اهمیت دارد، بلکه به ترویج همزیستی مسالمت‌آمیز و جلوگیری از تضادهای اجتماعی نیز کمک می‌کند. بدین ترتیب، قاعده لاضرر به‌عنوان یک اصل بنیادین در تحلیل موازنه حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در نظام حقوق بشر اسلامی، نقشی حیاتی در شکل‌دهی به رفتارهای اجتماعی و قانونی ایفا می‌کند.

۳- *قاعده مصلحت*

مصلحت به‌عنوان یک مفهوم جامع، با عناوینی چون: عدم مفسده، ضرورت، منفعت، حقیقت، حسن و قبح عقلی، استحسان، سدّ و فتح ذریعه، عرف، مقاصد شریعت، علت و حکمت احکام، همپوشانی و یا تداخل ارتباط دارد (*Shartouni, 2024:656*). مصلحت در زمینه‌های مختلف حقوق اسلامی و فقه جزایی کاربرد دارد و نه تنها به‌عنوان مبنای احکام شرعی به کار می‌رود، بلکه در احکام حکومتی نیز نقش دارد و به‌عنوان منبعی برای استنباط احکام شرعی و اصول اجتهاد به حساب می‌آید. در زبان فارسی، مصلحت به معنای «صواب و شایستگی» و به‌عنوان مقابل مفسده در نظر گرفته می‌شود (*Dehkhoda, 1998: 578*)؛ بنابراین، در اصطلاح فقهی، مصلحت به معنای پاسداری از مقاصد شرعی و حفاظت از ارزش‌های اسلامی تعریف می‌شود (*Feyz, 1994:253*).

موازنه میان حقوق و مسئولیت‌ها به‌واسطه توجه به مصلحت عمومی، فرصتی فراهم می‌کند تا در مواقع بروز تضاد میان حقوق فردی و منافع اجتماعی، تصمیم‌گیری‌های متناسبی صورت گیرد. به‌عنوان مثال، در مواردی که حفظ امنیت جامعه نیازمند محدودیت‌هایی در برخی حقوق فردی است، باید این محدودیت‌ها با دقت و مدنظر قرار دادن

مصلحت عمومی تعیین شوند تا از تضییع حقوق اساسی افراد جلوگیری شود. این اصل در نظام حقوق بشر اسلامی به‌گونه‌ای طراحی شده است که هر حقی که به یک شهروند اعطا می‌شود، باید در راستای نفع دیگران و جامعه قرار گیرد. به‌عبارتی، هیچ‌کس نمی‌تواند از حقوق خود به نحوی استفاده کند که به ضرر دیگران و نظم اجتماعی باشد؛ این همان فلسفه‌ای است که قاعده مصلحت بر آن تأکید دارد. از سوی دیگر، مسئولیت‌های اجتماعی نیز به‌طور خاص در این زمینه مطرح می‌شوند، چرا که هر فرد نه‌تنها حقوقی دارد، بلکه موظف است در راستای تأمین مصلحت عمومی نیز اقدام کند. می‌توان گفت که قاعده مصلحت به‌عنوان یک اصل بنیادین در نظام حقوق بشر اسلامی، زمینه‌ساز موازنه‌ای هدفمند و عادلانه میان حقوق و مسئولیت‌های شهروندی است. این موازنه موجب می‌شود که همگان در راستای تأمین نظم اجتماعی و مشارکت فعال در بهبود کیفیت زندگی در جامعه، به دنبال حقوق و مسئولیت‌های خود باشند و در این فرایند، مصلحت عمومی همیشه در کانون توجه قرار گیرد.

۴- اصل عدالت اجتماعی

فقها تعریف‌های گوناگونی از عدالت ارائه داده‌اند. بر اساس یک تعریف، عدالت عبارت است از ملکه، هیئت راسخه، حالت و یا کیفیتی که فرد را به سمت اطاعت در اتیان موارد فرض و ترک چیزهای حرام، هدایت می‌کند (*Khouei, 2004:211*)؛ در تعریفی دیگری این‌گونه آمده است که عدالت کیفیتی نفسانی که باعث ملازمت انسان به سوی تقوی می‌گردد (*Ragheb Esfahani, 2023, 5*). به بیانی دیگر هم عدالت هیئت نفسانی راسخیه است که همیشه انسان رابه رعایت تقوی و مروت مجبور می‌کند. به نظر ایشان در سه وضعیت عدالت زائل می‌شود: گناه کبیره، پافشاری بر گناه صغیره و نداشتن مروت (*Saheb Ben Emad, 1980:422*؛ *Ebn Fares, 2020:246*؛ *Farahidi, 1984:38*).

حقوق افراد باید در چارچوب عدالت اجتماعی توازن یابند تا از تضییع حقوق دیگران جلوگیری شود و نابرابری‌هایی که ممکن است به‌واسطه فقدان توجه به حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی به وجود آید، برطرف گردد.

از سوی دیگر، اصل عدالت اجتماعی به‌ویژه در بررسی مسئولیت‌های اجتماعی افراد به‌عنوان یکی از جنبه‌های اساسی مورد توجه است. هر شهروند مؤظف است در راستای تحقق عدالت و کاهش نابرابری‌ها در جامعه قدم بردارد و به نوعی از حقوق خود بهره‌برداری کند که به نفع جامعه و دیگر افراد باشد. این تعهد اجتماعی نه تنها به رونق بخشیدن به عدالت اجتماعی کمک می‌کند، بلکه در نتیجه، به بهتر شدن وضعیت حقوق فردی نیز می‌انجامد. بر

اساس این اصل، هر گونه قانونی که در جامعه وضع شود، باید به‌گونه‌ای باشد که عدالت را در نظر گرفته و به حفظ حقوق اقشار مختلف جامعه توجه کند. به‌عنوان مثال، در برابر محدودیت‌هایی که ممکن است برای تأمین امنیت عمومی یا حفظ نظم اجتماعی اعمال شود، اصل عدالت اجتماعی می‌طلبد که این محدودیت‌ها به‌گونه‌ای عادلانه و منطقی اعمال شوند و از حقوق اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر محافظت شود. لذا می‌توان گفت که موازنه بین حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در نظام حقوق بشر اسلامی، به‌ویژه از منظر اصل عدالت اجتماعی، نیازمند توجه به حقوق فردی در کنار پیشبرد عدالت اجتماعی است. این توجه متقابل موجب ایجاد یک بستر پایدار برای توسعه و پیشرفت جامعه می‌شود که در آن هر فرد به‌طور فعال در تحقق یک نظام عادلانه و مسئولانه مشارکت می‌کند و این مشارکت به شکوفایی و پیشرفت اجتماعی کمک شایانی خواهد کرد.

توازن حقوق و مسئولیت‌ها در قانون اساسی ایران

در رابطه با بحث از توازن حقوق و مسئولیت‌ها در قانون اساسی ایران، بایستی تحلیل کرد که رویکرد قانون اساسی به مقوله حقوق و تکالیف شهروندان چیست؟صرفاً حق‌مدار است یا صرفاً تکلیف‌مدار یا به دنبال توازن حق و مسئولیت است؟ در پاسخ به این سؤال، توجّه به اصولی مثل اصل ۸ قانون اساسی در مورد مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر مردم و حکومت نسبت به یکدیگر قابل توجّه است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- رویکرد تقنینی به مقوله حقوق و تکالیف شهروندان

اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ تصویب شد، تأکید می‌کند که «همه انسان‌ها آزاد و برابر در کرامت و حقوق متولد می‌شوند» (ماده ۱). این ماده می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای حقوق اجتماعی و بشری عمل کند. از سوی دیگر، ماده ۲۹ این اعلامیه به مسئولیت‌های اجتماعی اشاره دارد و بیان می‌کند که «هر فردی باید در جامعه‌ای زندگی کند که می‌تواند توسعه آزادی‌های او را تضمین کند».

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به این توازن توجه کرده است. به‌عنوان مثال، اصل ۱۹ به حقوق افراد در داشتن حقوق برابر اشاره دارد و اصل ۲۰ تمامی افراد را در برابر قانون برابر می‌داند. همچنین، اصل ۲۹ به حق تأمین اجتماعی و بیمه اشاره می‌کند که به‌عنوان مسئولیتی اجتماعی تلقی می‌شود.

علاوه بر قانون اساسی، مقررات خاصی نیز وجود دارد که به توازن حقوق و مسئولیت‌ها کمک می‌کند. برای نمونه، قانون کار ایران به حقوق کارگران و کارفرمایان می‌پردازد و به مسئولیت‌های اجتماعی کارفرمایان در تأمین شرایط کاری مناسب اشاره می‌کند (*Hosseini, 1995:15*). در ادامه به مهم‌ترین مصادیق حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی در قانون ایران پرداخته می‌شود.

در تمامی قوانین کشور، چه در زمینه‌های مدنی، جزایی، فرهنگی، اجتماعی و قضایی، اصل بر برابری همه افراد است. قانون اساسی به وضوح بر حقوق مساوی مردم ایران تأکید دارد: «مردم ایران از هر قوم و نژادی که باشند، از حقوق یکسان برخوردارند و عوامل همچون رنگ، نژاد و زبان سبب امتیاز نخواهد بود.» (اصل ۱۹ قانون اساسی).

قانون‌گذار با ذکر مثال‌هایی از عوامل جغرافیایی که می‌توانند به امتیاز منجر شوند، بر تساوی مردم ایران تأکید می‌کند. این مثال‌ها نمایانگر نگرش خبرگان قانون‌گذار درباره مسائل امتیاز هستند و دیگر عوامل مشابه نیز به همین طریق قابل شناسایی‌اند. در اصل بیستم قانون اساسی، تأکید بیشتری بر حمایت برابر از تمامی افراد وجود دارد: «تمام افراد ملت، چه زن و چه مرد، در حمایت قانون یکسان هستند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی بهره‌مند می‌شوند».

علاوه بر این، در بند چهارده اصل سوم صراحتاً بر اصل تساوی همه در برابر قانون تأکید شده است: «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد، چه زن و چه مرد، و ایجاد فضایی عادلانه برای تمامی افراد با رعایت اصل تساوی در برابر قانون».

تکرار این مفاهیم در قانون اساسی بر اهمیت آن‌ها دلالت دارد. قانون‌گذار در این زمینه تلاش کرده است که هیچ‌گونه نابرابری مهجور نماند؛ حتی در مورد مقام رهبری، که بالاترین مقام کشور به شمار می‌آید، صراحتاً اصل تساوی در برابر قانون مورد تأکید قرار گرفته است: «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور برابر است» (اصل ۱۰۷ قانون اساسی).

همچنین، نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز از مصونیت معاف نیستند و در برابر اتهامات، همانند دیگر افراد در معرض رسیدگی مرجع صلاحی قرار می‌گیرند. در موضوع تعقیب رئیس جمهور و دیگر مسئولان قوه مجریه، قانون اساسی اعلام می‌کند: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند تابعیت هیچ ایرانی را سلب کند، مگر به خواست خود او یا در صورتی‌که به تابعیت کشور دیگری درآید» (اصل ۴۱ قانون اساسی). یکی از ابزارهای اصلی برای تضمین حقوق و آزادی‌ها، حق مراجعه به دادگاه و دادخواهی است (*Mosafa, 1994:98*).

«حق دادخواهی حق غیر قابل انکار هر فرد است و هر شخص می‌تواند برای پیگیری دادخواست خود به دادگاه‌های صالح مراجعه کند. تمامی افراد جامعه باید قادر به دسترسی به این دادگاه‌ها باشند و هیچ‌کس نمی‌تواند از مراجعه به دادگاهی که طبق قانون این حق را دارد، منع شود» (اصل ۳۴ قانون اساسی).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از ویژگی‌های کلیدی این نظام را آزادی همراه با مسئولیت انسان می‌داند (اصل ۲ قانون اساسی) و دولت را ملزم به تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی می‌کند (اصل ۳ قانون اساسی). در حالی که دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری اعلام شده است (اصل ۱۲ قانون اساسی)، این قانون اصل آزادی عقاید مذهبی را به‌طور کامل پذیرفته و از آن دفاع می‌کند و بر احترام به تمامی مذاهب اسلامی تأکید دارد. در اصل دوازدهم، آزادی عقیده و انجام مراسم مذهبی برای دیگر مذاهب اسلامی به رسمیت شناخته شده است.

دین رسمی کشور ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل به‌طور همیشگی غیرقابل تغییر باقی خواهد ماند. سایر مذاهب اسلامی، از جمله حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی نیز از احترام کامل برخوردارند و پیروان این مذاهب مجازند مراسم مذهبی خود را طبق فقه خود به جا آورند. همچنین، در زمینه‌های آموزش و تربیت دینی و مسائل شخصی (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مرتبط با این موضوعات در دادگاه‌ها حق رسمی دارند. در هر منطقه‌ای که پیروان یکی از این مذاهب اکثریت داشته باشند، قوانین محلی می‌تواند بر اساس آن مذهب تنظیم شود و در عین حال حقوق پیروان سایر مذاهب محفوظ خواهد ماند.

در راستای اجرای این اصل، قوانین عادی نیز شامل مواد مشابهی هستند. به‌عنوان مثال، آموزش و پرورش موظف است در مناطقی که دیگر مذاهب اسلامی سکونت دارند، ترتیبی اتخاذ کند که آموزش‌های دینی دانش‌آموزان بر اساس فقه مذهب آن‌ها باشد. در اصل سیزدهم قانون اساسی، به رسمیت شناختن آزادی عقاید و امکان برگزاری مراسم دینی برای اقلیت‌های دینی زرتشتی، کلیمی و مسیحی تأکید شده است. «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی به‌عنوان تنها اقلیت‌های دینی شناخته شده‌ای هستند که در چهارچوب قانون می‌توانند مراسم مذهبی خود را به‌طور آزادانه برگزار کنند و در مسائل شخصی و آموزه‌های دینی، طبق آیین خود عمل کنند». بر اساس این اصل، اقلیت‌های دینی مجازند تا کتاب‌های درسی دینی خود را تدوین کرده و آن‌ها را با نظارت وزارت آموزش و پرورش در مدارس خود تدریس کنند (همان).

اصل چهاردهم نیز آزادی عقاید را برای افرادی که به هیچ مذهبی اعتقاد ندارند به‌رسمیت می‌شناسد، به شرط آنکه بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی توطئه یا اقدامی نکنند. این افراد با برخورداری از حقوق انسانی‌شان می‌توانند به باورهای خود ادامه دهند.

دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان ملزم به رفتار با اخلاق نیکو و بر پایه قسط و عدل اسلامی نسبت به غیر مسلمانان هستند و باید حقوق انسانی آنان را محترم شمارند. این اصل به افرادی که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی توطئه نمی‌کنند، اعتبار دارد.

همچنین، در اصل ۲۳ قانون اساسی تصریح شده که تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ فردی نمی‌تواند به دلیل داشتن یک عقیده خاص مورد تعرض یا مؤاخذه قرار گیرد. از آنجا که افراد در جامعه زندگی می‌کنند و با دیگران در ارتباطند، لازم است تا آنچه را که درک می‌کنند و به آن ایمان دارند، آزادانه بیان کنند یا از طریق کتاب‌ها و مطبوعات به اطلاع دیگران برسانند: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر اینکه به مبانی اسلام یا حقوق عمومی آسیب برسانند. جزئیات آن را قانون مشخص می‌کند.» (اصل ۲۴ قانون اساسی).

بنابراین، قانون اساسی آزادی بیان و مطبوعات را تأیید می‌کند و بر آن تأکید دارد، اما دو شرط تعیین کرده است: یکی ملاحظات مربوط به مبانی اسلام و دیگری حقوق عمومی. آزادی بیان و مطبوعات تا آنجا که به مبانی اسلام یا حقوق عمومی لطمه نزند، پذیرفته شده است. این دو شرط نه تنها محدودیتی برای آزادی افراد ایجاد نمی‌کند، بلکه به منظور حفظ حقوق و آزادی‌های انسانی لازم است. بر اساس قانون مطبوعات مصوب مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۴، مواردی که به‌عنوان اخلال در مبانی و احکام اسلام تلقی می‌شوند، عبارتند از:

۱) انتشار محتوای الحادی و مواردی که با موازین اسلامی مغایرت دارد و همچنین ترویج موضوعاتی که به مبنای جمهوری اسلامی آسیب می‌زند.

۲) توهین به دین اسلام و مقدسات آن.

۳) اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع تقلید معتبر.

۴) ترویج فحشا و منکرات و انتشار تصاویر، عکس‌ها و مطالبی که به عفت عمومی آسیب می‌زند.

۵) تبلیغ و ترویج اسراف و اسراف‌کاری.

از جمله مصادیق نقض حقوق عمومی طبق قانون مطبوعات نیز به موارد زیر اشاره شده است:

۱) افترا به مقامات، نهادها، ارگان‌ها و افراد کشور.

۲) توهین به اشخاص حقیقی یا حقوقی با حرمت شرعی.

۳) تحریک و تشویق گروه‌ها به انجام اقداماتی علیه امنیت، آبرو و منافع جمهوری اسلامی ایران، چه در داخل و چه خارج.

۴) افشای اسناد، دستورات و مسائل محرمانه.

۵) انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس شورای اسلامی.

۶) انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس شورای اسلامی.

۷) ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، بویژه از طریق مسایل نژادی و قومی.

۸) سرقت ادبی و نقل مطالب از مطبوعات و گروه‌های مخالف اسلام به نحوی که جنبه تبلیغی داشته باشد (*Ansari, 2015:15*).

از محتوای همین اصل و سایر اصول، به روشنی حق آزادی عقیده و بیان استنباط می‌شود. در اصل ۲۶ قانون اساسی، آزادی احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی، صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین، در اصل بیست و هفتم اشاره به حق تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها شده که معنایش این است که این جمعیت‌ها و احزاب باید بتوانند نظرات و عقاید خود را بیان کنند، چون تشکیل حزب و اجتماع نیاز به اعلام نظر دارد.

علاوه بر این، در اصول مرتبط با قوه مقننه، قانون اساسی به نمایندگان مجلس حق اظهارنظر در تمامی مسائل داخلی و خارجی کشور را می‌دهد (اصل ۸۴ قانون اساسی) و تصریح می‌کند که آن‌ها در این اظهار نظرها کاملاً آزاد هستند (اصل ۸۶ قانون اساسی). همچنین، وکلای افراد از این حقوق بهره‌مندند و موکلین آن‌ها نیز همان حقوق و اختیارات را دارند (*Sobhani Tabrizi, 2003:9*).

تأکید قانون اساسی بر آزادی عقیده، بیان و مطبوعات از آن روست که هیأت حاکمه می‌تواند از این طریق به تمایلات و خواسته‌های مردم پی ببرد. اگر مردم نتوانند آنچه را که می‌دانند بگویند یا بنویسند، این آگاهی حاصل نخواهد شد و در نتیجه هیأت حاکمه نخواهد توانست وظایف خود را در تأمین نیازها و خواسته‌های مردم به درستی انجام دهد. همچنین، آزادی بیان و مطبوعات می‌تواند ابزاری برای نظارت مردم بر عملکرد دولت باشد. بدین ترتیب، افراد و نشریات کشور باید از آزادی کافی برخوردار باشند تا بتوانند انتقادات و اعتراضات سازنده‌ای نسبت به عملکرد دولت مطرح کنند (*Jafari, 2019:46*).

در واقع، نقش اصلی مطبوعات انتقاد سازنده از وضعیت حکومت است و تنها از طریق انتقاد سازنده است که می‌توان از انحرافات و خطاها جلوگیری کرده و بر سستی و تنبلی

مسئولان فائق آمد. اگر مطبوعات صرفاً به تقدیر و تشکر از مسئولان بسنده کنند و نقاط ضعف و مشکلات موجود را نادیده بگیرند، جامعه به رکود، بی‌تفاوتی، فساد و انحطاط رهنمون خواهند شد.

امام خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، در مصاحبه‌ای با نشریه لوموند در خصوص آزادی عقیده و بیان گفتند:

«در جامعه‌ای که ما به دنبال برپایی آن هستیم، مارکسیست‌ها در بیان نظراتشان آزاد خواهند بود، زیرا ما به این باور هستیم که اسلام پاسخگوی نیازهای مردم است. ایمان و اعتقاد ما می‌تواند با ایدئولوژی‌های آن‌ها مقابله کند. در فلسفه اسلامی از دیرباز مسأله کسانی که وجود خدا را انکار می‌کردند، مطرح بوده است. ما هرگز آزادی آن‌ها را سلب نکرده‌ایم و به آن لطمه‌ای وارد نیاورده‌ایم. هر فردی آزاد است نظر خود را بیان کند، اما آزادی برای توطئه کردن ندارد» (*Mousavi Khomeini, 1999:45-46*).

اصل ۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به وضوح تأکید بر مسئولیت مردم و حکومت در امر به معروف و نهی از منکر دارد. این اصل به‌عنوان مبنایی برای تعامل اجتماعی، حکم می‌کند که مردم نسبت به یکدیگر و همچنین نسبت به حکومت، وظیفه دارند تا در راستای ترویج خوبی‌ها و جلوگیری از زشتی‌ها اقدام کنند، از این‌رو، حقوق شهروندان در کنار مسئولیت‌های اجتماعی قرار می‌گیرد و بر این اساس، همه افراد موظفند در یک جامعه اسلامی، همدیگر را به سوی رفتارهای اخلاقی و نیک هدایت نمایند. در این چارچوب، دولت نیز به‌عنوان متولی تأمین امنیت و سلامت اجتماعی، موظف است زمینه‌های لازم را برای تحقق این مسئولیت‌ها فراهم کند و با ایجاد بسترهای قانونی و فرهنگی، از حقوق شهروندان در برخورداری از فضای اجتماعی سالم حمایت نماید. بدین‌گونه، رویکرد قانون اساسی در این زمینه نه‌تنها به تضمین حقوق فردی و اجتماعی کمک می‌کند، بلکه تلاش می‌کند تا به‌واسطه همکاری و مسئولیت مشترک، یک جامعه متعالی و پویا ایجاد کند که در آن همگان در مسیر رشد و کمال فردی و اجتماعی گام بردارند.

۲- تحلیل و ارزیابی

به نظر می‌رسد که رویکرد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مقوله حقوق و تکالیف شهروندان، ترکیبی از حق‌مداری و تکلیف‌مداری است که به‌طرز هوشمندانه‌ای توازن بین این دو را در دستور کار قرار می‌دهد. در این راستا، قانون اساسی نه‌تنها به تضمین حقوق فردی و اجتماعی شهروندان توجه دارد، بلکه بر مسئولیت‌های متقابل آنها نیز تأکید می‌کند.

اصل ۸ قانون اساسی که مورد اشاره قرار گرفت، به‌صراحت بر مسئولیت عموم مردم و حکومت در امر به معروف و نهی از منکر تأکید می‌کند، که این امر نشانگر آن است که همکاری متقابل میان شهروندان و حکومت در ترویج اخلاق و عدالت اجتماعی ضرورت دارد. این مسئولیت‌پذیری، نشان‌دهنده این است که حقوق شهروندی تنها به‌عنوان امتیازاتی برای افراد شمرده نمی‌شود، بلکه با وظایف و تعهدات اجتماعی نیز پیوند دارد. به‌عبارتی، هر حق فردی به‌طور ضمنی با مسئولیت‌هایی همراه است که شهروندان باید به‌منظور حفظ حقوق دیگران و سلامت اجتماعی به آنها اهتمام ورزند. با توجه به این اصل، قانون اساسی از یک‌سو، با تأکید بر حقوقی مانند آزادی بیان، حق بر تحصیل و حق بر شرایط مناسب زندگی، به شهروندان این امکان را می‌دهد که از حقوق خود بهره‌مند شوند و از سوی دیگر، با ذکر مسئولیت‌های اجتماعی، آنها را به همکاری و مشارکت فعال در زندگی اجتماعی دعوت می‌کند. بنابراین، رویکرد قانون اساسی ایران به‌نحوی طراحی شده است که ضمن احصاء حقوق شهروندان، بر لزوم توجه به مسئولیت‌های اجتماعی تأکید دارد، تا بدین‌وسیله جامعه‌ای متعادل و پویا شکل گیرد. این توازن میان حقوق و مسئولیت‌ها، به‌طرز مؤثری به تقویت همبستگی اجتماعی و ارتقای اخلاق عمومی کمک می‌کند و موجب می‌شود که افراد نه‌تنها بر حقوق خود تأکید داشته باشند، بلکه به مسئولیت‌های خود نسبت به دیگران و جامعه نیز به خوبی آگاه باشند.

هم‌سنجی توزان حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در نظام حقوق بشر اسلامی و حقوق اساسی ایران

توازن حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در نظام حقوق بشر اسلامی و حقوق اساسی ایران به واسطه‌ی تأکید بر اصول انسانی و اسلامی در هر دو حوزه ایجاد شده است، اما با تفاوت‌هایی که در زمینه اولویت‌ها و مفاهیم وجود دارد، این توازن به‌طور مشخصی قابل بررسی است. در نظام حقوق بشر اسلامی، حقوق فردی به‌عنوان امتیازاتی بیان می‌شوند که افراد در جامعه اسلامی باید از آن بهره‌مند شوند، در حالی که این حقوق نه تنها به زندگی و آزادی فردی اشاره دارند، بلکه به مسئولیت‌های اجتماعی نیز مربوط می‌شوند. به‌طور مثال، اصول اخلاقی مانند امر به معروف و نهی از منکر که در قانون اساسی ایران نیز به وضوح آمده، نشان‌دهنده این است که حقوق شهروندی آنگاه معنا می‌یابد که افراد به حقوق و تکالیف یکدیگر توجه داشته باشند و این همکاری اجتماعی را در اولویت قرار دهند.

از منظر حقوق اساسی ایران، حقوق شهروندان به‌طور خاص در اصول مختلفی مانند اصل ۱۹ که بر برابری حقوق همه مردم تأکید دارد، و اصل ۸ که مسئولیت‌های عمومی را در امر به

معروف و نهی از منکر متذکر می‌شود، تجلی می‌کند. این اصول نشان می‌دهند که در حقوق اساسی ایران، نه تنها بر حقوق فردی تأکید شده، بلکه توجه ویژه‌ای به مسئولیت‌های اجتماعی، مانند حفظ نظم و امنیت عمومی، وجود دارد. توازن میان حقوق و مسئولیت‌ها در این زمینه به‌گونه‌ای است که هر فرد به‌عنوان یک شهروند نه تنها حق دارد از حقوق خود بهره‌برداری کند، بلکه مؤظف است در راستای تقویت همبستگی اجتماعی و ترویج فضائل اخلاقی نیز فعالیت کند.

در مقایسه با نظام حقوق بشر اسلامی، که به دلیل مبانی دینی و فرهنگی خود بُعد معنوی بیشتری به مقوله حقوق و مسئولیت‌ها می‌دهد، حقوق اساسی ایران به دنبال قوام و نفوذ این اصول در نظام نهادها و قوانین مدنی نیز هست. به صورتی که در هر دو نظام، موازی‌هایی به وضوح قابل مشاهده است؛ به‌عنوان مثال، در هر دو حوزه، مسئولیت‌های اجتماعی به‌عنوان بستر لازم برای حفظ حقوق فردی مورد تأکید قرار گرفته و آن را بستری برای توسعه جامعه‌ای سالم و عادلانه دانسته‌اند.

بنابراین، همسنجی توازن حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در نظام حقوق بشر اسلامی و حقوق اساسی ایران، نمایانگر شکل‌گیری نظمی است که در آن حقوق فردی در کنار مسئولیت‌های اجتماعی به‌عنوان دو روی یک سکه، وجود داشته و تداوم می‌یابند. این توازن نه تنها به پیشرفت جامعه کمک می‌کند، بلکه بر ایجاد و حفظ نهادهای اجتماعی و سیاسی سالم و کارآمد نیز تأثیرگذار است. بدین ترتیب، هم در نظام حقوق بشر اسلامی و هم در حقوق اساسی ایران، توجه به حقوق و مسئولیت‌های شهروندی به منزله عواملی اساسی در شکل‌دهی به هویت اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای متقارن و پایدار است. زمانی که افراد جامعه به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و از مسئولیت‌های اجتماعی خود آگاه باشند، فساد و تبعیض کاهش می‌یابد و همه افراد می‌توانند از حقوق خود بهره‌مند شوند (*Rahbar, 2021:3*)؛ همچنین تأکید بر مسئولیت‌های اجتماعی به‌ویژه در قوانین، می‌تواند شهروندان را به مشارکت بیشتر در امور اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های عمومی ترغیب کند (*Zahedi, 2020:11*)، که نهایتاً این مشارکت به نوبه خود می‌تواند به تقویت و حفظ حقوق آن‌ها کمک کند.

نتیجه‌گیری

وجود یک تعادل مناسب بین حقوق فردی و مسئولیت‌های اجتماعی، شرط تحقق عدالت و رفاه در جامعه است. در حالی که حقوق شهروندان در چارچوب اصول قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته، سرمایه‌گذاری بر روی فرهنگ مسئولیت‌پذیری نیز به همان اندازه ضرورت

دارد، زیرا نادیده‌گرفتن مسئولیت‌های اجتماعی می‌تواند به چالش‌هایی مانند عدم همبستگی اجتماعی و کاهش اعتماد عمومی منجر شود. از سوی دیگر، تضعیف حقوق فردی به بهانه تأکید بر مسئولیت‌ها ممکن است حس آزادی و احترام به کرامت انسانی را تحت شعاع قرار دهد. بنابراین، لازم است که در نظام حقوق بشر اسلامی، قانون‌گذاران و سیاست‌مداران به‌طور مستمر به این توازن توجه نمایند و ابزارهای قانونی مؤثری را برای حمایت از حقوق شهروندان و ترویج حس مسئولیت در جامعه ایجاد کنند، تا از این طریق نه تنها به توسعه پایدار و پیشرفت اجتماعی دست یابند، بلکه به احیای ارزش‌های انسانی و اسلامی نیز یاری رسانند. اگر چه حقوق شهروندان به‌صورت روشنی در قانون اساسی ایران تعریف شده، اما تحقق واقعی این حقوق با چالش‌های متعددی روبه‌روست که ناشی از عدم توازن در تأمین مسئولیت‌های اجتماعی است. در حال حاضر، بسیاری از شهروندان ممکن است از حقوق خود به‌درستی آگاه نباشند یا در اعمال آنها با موانع جدی مواجه شوند، در حالی که مسئولیت‌هایی که بر عهده دارند، در برخی موارد به درستی تبیین و نهادینه نشده است. این وضعیت می‌تواند منجر به احساس نارضایتی عمومی و کاهش مشارکت مدنی شود. لذا، لازم است که توازن میان حقوق و مسئولیت‌های شهروندی به‌عنوان یک امر حیاتی در سیاست‌گذاری‌ها و اصلاحات قانونی مد نظر قرار گیرد، تا نه تنها حقوق فردی و اجتماعی در جامعه بهبود یابد، بلکه حس مسئولیت‌پذیری و مشارکت فعال شهروندان نیز تقویت شود.

Reference:

Ansari, B. (2015). Privacy Law, Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (Samat). (Persian).

Ansari, M.; Ibn Mohammad, A. (2015). Rasael al-Fiqhiyah, Qom: Al-Mutammar al-Alami. (Persian).

Dehkhoda, A. A. (1998). Dictionary of Dehkhoda, Tehran: University of Tehran. (Persian).

Farahidi, Kh. Bin Ahmad, Kitab, A.-A. (1984). Beirut-Lebanon Al-Alami Press Institute. (Persian).

Feyz, A. R. (1994). Comparison and Implementation in General Criminal Law of Islam, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (Persian).

Gharavi Isfahani, Sh.; Mohammad Hussein, H. (1987). Al-Mukasib, Beirut: Dar Al-Fikr. (Persian).

Hosseini Rouhani, S. (1991). Fiqh al-Sadiq (peace be upon him), Qom: Imam Sadiq (peace be upon him). (Persian).

Hosseini, A. (1995). Balance of Rights and Social Responsibilities, Tehran: Tehran University Publications. (Persian).

Ibn Fares, A. (2020). Dictionary of Language Standards, Qom: Dar al-Fikr. (Persian).

Jafari, M. (2019). "Freedom of Speech and Fundamental Rights in the Islamic Republic of Iran", Tehran: Samat Publications. (Persian).

Khoei, S. A. Q. (2004). Encyclopedia of Imam al-Khoei, Qom: Al-Khoei Islamic Foundation. (Persian).

Marashi, M. H. (2006). New Views on Law, Second Edition, Tehran: Mizan Publishing. (Persian).

Motahari, M. (1993). Ten Speeches, Eighth Edition, Tehran: Sadra, 1993. (Persian).

Mousavi Khomeini, R. (1999). Sahifeh-e Imam (RA), Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (Persian).

Musafa, N. (1994). Women's Political Participation in Iran, Ministry of Foreign Affairs Printing and Publishing Institute, First Edition. (Persian).

Raghib Isfahani, H.; Bin, M. (1983). Mufradat fi Gharib al-Quran, Qom: Daftar Nashr al-Kitab. (Persian).

Rahbar, S. (2011). "The Effect of Balancing Rights and Responsibilities on Social Justice", Social Justice Quarterly, Vol. 5, Issue 2, P. 45-67. (Persian).

Sahib Bin Ebad, I.; Bin, E. (2022). Al-Muhait Fi Al-Lughah, Beirut-Lebanon: Aalem Al-Kitab. (Persian).

Shertouni, S.; (1982). Aqrab Al-Mawarid, Qom: Library of Grand Ayatollah Marashi Najafi (RA). (Persian).

Sobhani Tabrizi, J. (2003). "Freedom in the Scope of Expression and Opinion", Islamic Theology Journal, Issue 47. (Persian).

Zahedi, M. (2010). "The Role of Social Responsibilities in Increasing Citizen Participation", Iranian Social Research, Vol. 8, Issue 3, P. 75-92. (Persian).

The Balance of the Citizenship Rights and Responsibilities in the Islamic Human Rights System with an Emphasis on Iran's Constitutional Law

Davoud Mohebbi (Ph.D)[1], *Ali Amiri*[2]

DOI: 10.22055/QJSD.2024.20339

Abstract:

Social rights refer to rights that guarantee security, equal opportunities, and social welfare for all individuals in a society. These rights usually include the right to education, the right to health, the right to work, and the right to live in a healthy environment. Social responsibilities refer to the obligations of individuals and institutions to protect each other's rights and promote social status. These responsibilities can be legal or illegal. In the Islamic Republic of Iran, citizens' rights are clearly defined in various principles of the constitutional law, but there are numerous challenges in realizing these rights. Citizens' civil and moral responsibilities, in addition to their freedoms and legal rights, are considered an inseparable part of this system, and ignoring any of them can lead to a disruption in the public balance. The present study, titled "the Balance of the Citizenship Rights and Responsibilities in the Islamic Human Rights System with an Emphasis on Iran's Constitutional Law", which was conducted using a descriptive-analytical method, clearly demonstrates the need for effective legal and cultural measures to promote collective awareness and citizen responsibility. Therefore, challenging the interaction between rights and responsibilities in the Islamic system is not only necessary, but must also be continuously reviewed and strengthened in legal and social contexts in order to maintain solidarity and cohesion in society.

Key Concepts: *Balance of Rights, Responsibilities of Citizenship, Islamic Human Rights System, Constitutional Law Rights of Iran*

[1] Assistant Professor, Department of Public Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran, mohebbi.law82@yahoo.com

[2] Master's Student, Department of Public Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author), a.amiri@stu.qom.ac.ir

© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).